

تشر

خاطره پلیسی

کارآگاه بازی
خانم مارپل ۷ ساله

۲

یک پرونده یک هشدار

قرار با شیطان



این هفته ماجرای خواستگار قلابی که برای انتقام از دختران، آنها را قربانی نقشه سیاه خود می‌کرد، بررسی کردیم

۳

خانواده

از زندگی بدون دعوا خسته شدم!



سیما فراهانی، زندگی زوجی را روایت کرده که از آرام بودن زندگی‌شان خسته شده و دادخواست طلاق داده‌اند

۸

رودرو

قتل در درگاه خانه

در رودروی این هفته به گفت‌وگو با مرد پولداری پرداختیم که به اتهام سرقت دستگیر شده است



طرح: احسان نوری / جام جم

مزایده ۳۰۱۱/۹۹/ا قلام
مرکز فروش کوثر

شرح در صفحه ۷



پذیرش آگهی: ۴۹۱۰۵۰۰۰

نوجوانز

jamejamdaily.ir

80
دهه

پشت پرده قرارهای مجردی

سروان سمانه مهربانی، روان شناس و کارشناس آموزش همگانی پلیس آگاهی پایتخت در این باره می گوید: متأسفانه ابراز علاقه ناگهانی و چرب زبانی مردان نقطه ضعف بسیاری از دختران جوان و کم تجربه است. افراد سوءاستفاده گر همه چیز را در مورد روان شناسی قربانیان خود می دانند و به خوبی آگاهند که چطور می شود آن قدر يك زن را در مغناطیس و انرژی ابراز علاقه خود قرار داد که قوه قضاوت وی را مختل کرد. به طوری که بدون دیدن يك کارت شناسایی معتبر یا مدرک مستندی در مورد ادعاهای فرد مجرم یا شناخت عمیق و درست از وی به درخواستش برای ملاقات در منزل برای اولین قرار تن می دهند و تنها پس از تجربه تلخ سوءاستفاده مالی و جسمی متوجه می شوند که کوچک ترین سرخی از هویت واقعی فرد آزارگر ندارند. ما در دورانی زندگی می کنیم که اکثر دختران جوان به خاطر ورود به اجتماع با تحصیل و اشتغال دیگر در خصوص تعاملات و ارتباطات اجتماعی با جنس مخالف ناآگاه محسوب نمی شوند و هر دختری می داند پشت هر دعوت به منزل مجردی، نیت خوبی وجود ندارد پس نمی توان مدعی اغفال شد! وظیفه هر دختری است تا با مدیریت احساساتش اجازه سوءاستفاده جسمی و عاطفی اش را به افراد بیمار و منحرف ندهد.



قرار با شیطان

همه چیز از يك شماره دادن ساده شروع شد. مرد غریبه به خودروی مینا و دوستش نزدیک شد و بعد از چند دقیقه اصرار و زبان ریختن، شماره مینا را گرفت و شماره خودش را به او داد. همه چیز برای دختر جوان مثل يك شوخی بود و در قدم بعدی حس خوشایند ابراز تمایل ناگهانی يك مرد و به قول بعضی ها عشق در يك نگاه!

ابراز علاقه ای که حسایی قند در دل دخترک آب کرد و آن قدر هوش از سرش برد که بعد از چند مکالمه تلفنی کوتاه و ارسال پیام در واتس اپ دعوت مرد غریبه که حالا می دانست نامش روزه است برای ملاقات و دیدار در خانه مجردی اش را پذیرفت. دیدارشان با يك گپ و گفت ساده شروع شد و ساعتی بعد دخترک درحالی که روزه او را مورد آزار قرار داده و طلاها و موبایلش را به زور از او گرفته بود منزل مجردی روزه را ترک کرد. فردا صبح وقتی به خودش آمد راهی دادسرا شد و از روزه به اتهام آزار و سرقت شکایت کرد و آنجا بود که فهمید شخصی با این مشخصات وجود خارجی ندارد و متهم آن منزل مجردی را نیز برای دو روز اجاره کرده است. مینا تازه فهمید هیچ اطلاعات خاصی از مرد غریبه ندارد. مردی که آن قدر اعتمادش را جلب کرده بود که در کمتر از يك هفته و با چند تماس تلفنی و اینترنتی راهی منزل مجردی اش شده و خلوت کرده بود!

تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد و مشخص شد این فرد با این شگرذ تاکنون از تعداد زیادی از دختران جوان سوءاستفاده کرده و همه قربانیان جز همان شماره تماس

اولیه به اضافه آدرس خانه های مجردی که چند ساعت بعد از وقوع جرم تخلیه شده بودند هیچ اطلاعات دیگری از او ندارند. سرانجام کارآگاهان موفق به دستگیری روزه شدند و او را که در مناطق شمالی پایتخت منزل مجردی اجاره می کرد در مخفیگاهش در یکی از شهرک های حاشیه ای تهران دستگیر کردند. همه شکات او را به عنوان مدعی عشق در يك نگاه خود که در خیابان به آنها دل بسته بود و با چرب زبانی تلفنی و اینترنتی دل شان را برده و در انتها بعد از سوءاستفاده و آزار، طلاهایشان را ربوده بود شناسایی کردند.

روزبه ابتدا همه شکایت ها را انکار کرد اما وقتی دید راهی برای فرار ندارد، واقعیت را گفت: «در زندگی ام همیشه شکست می خوردم. چند سال قبل عاشق دختری شدم که او هم به من خیانت کرد و در عاشقی هم شکست خوردم. بعد از آن به فکر انتقام از دخترانی افتادم که خیانت می کردند. به همین خاطر با پوشیدن لباس های مارک و اجاره خودروهای گران قیمت و خانه های روزانه دختران را به دام می انداختم و پس از کشاندن آنها به خانه ام، مورد آزار و اذیت قرار می دادم. برای این که هزینه فریب طعمه بعدی را جور کنم، پول و طلاهایشان را سرقت می کردم.»



وی تأکید کرد: نمی توان برای همه افراد جامعه نسخه واحدی در مورد محل مناسب آشنایی داد و مکانی را صددرصد تأیید یا رد کرد اما نکته مهم و حیاتی در این خصوص استفاده از فرصت شناخت طرف مقابل است. شناختی درست و همه جانبه که مقدمه گام های بعدی آشنایی است. هرگاه به شناخت درست و برپایه واقعیت از طرف مقابل خود و ادعاهایش رسیدید قدم به مراحل بعدی رابطه بگذارید. البته مراحل که مطمئناً شامل دیدار در منزل مجردی نیست. در صورت روزه روشن شدن با افراد سودجو حتی اگر موفق به مقابله با وی شدید و با آگاهی از فریبکاری وی مانع سوءاستفاده اش شدید، مشخصات و شگرذ او را با پلیس آگاهی در میان بگذارید تا از ادامه رفتارهای مجرمانه وی جلوگیری به عمل آید.



هر دختری می داند
پشت هر دعوت به
منزل مجردی، نیت
خوبی وجود ندارد پس
نمی توان مدعی اغفال
شد! وظیفه هر دختری
است تا با مدیریت
احساساتش اجازه
سوءاستفاده جسمی
و عاطفی اش را به افراد
بیمار و منحرف ندهد



آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه به طور فوق العاده نوبت اول

کانون بازنشستگان صنعت آب و برق شاخه نیروگاه قائم

شماره ثبت ۱۵۲۱ و شناسه ملی ۱۰۹۰۰۱۸۰۸



بدینوسیله از کلیه اعضای محترم کانون بازنشستگان صنعت آب و برق شاخه نیروگاه منتظر قائم دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه به طور فوق العاده نوبت اول که در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ در سالن اجتماعات نیروگاه منتظر قائم برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- گزارش هیات مدیره
- تصویب صورت های مالی منتهی به ۱۳۹۸/۱۲/۲۹
- انتخاب بازرس
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی و دعوتنامه ها
- رئیس هیات مدیره کانون

سند و برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶، مدل ۱۳۸۴، به رنگ پسته پوست پیازی روشن متالیک به شماره انتظامی ۸۷ط۱۸۹-ایران ۱۱ شماره موتور 10FX5X2443000 شماره شاسی 13804278 به نام رامین میرزاییان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند خودرو پژو GLX، مدل ۱۳۹۱، به رنگ نقره ای متالیک، به شماره انتظامی ۵۵۳ ج ۷۵-ایران ۵۳، شماره موتور 12491042293، شماره شاسی NAAM11CA5CH306995، به نام محمد زمانی گاونانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو نیسان وانت، مدل ۱۳۸۳، به رنگ آبی روغنی به شماره انتظامی ایران ۳۸-۴۹۷ ص ۲۶، شماره موتور 255277، شماره شاسی D50332 به نام اکبر اردستانی رستمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سوای پیکان وانت به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۹۴۸ ص ۴۶-ایران ۶۵ با شماره شاسی NAAA36AA69G805736 و شماره موتور 11487058084 به نام سمیه سادات عالی ابرغانی با کد ملی ۳۰۹۰۸۲۲۸۳۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

از زندگی بدون دعوا خسته شدم!

سیمافراهانی

تپش

زن جوان راهی دادگاه خانواده تهران شد تا به زندگی مشترک با شوهرش پایان دهد، ولی دلیلش کمی عجیب‌تر از بقیه دلایل جدایی در دادگاه خانواده بود. لعیا از زندگی با شوهرش ناراضی بود، چون با هم دعوا نمی‌کردند! او زمانی که در مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت در این باره گفت: پنج سال است با صابر ازدواج کرده‌ام، ولی در این مدت حتی یک بار هم درگیر نشده‌ایم. شوهرم روی حرف من حرف نمی‌زند و هرچه می‌گویم، قبول می‌کند. هر شرایطی را می‌پذیرد و از هیچ چیز ایراد نمی‌گیرد. هربار هم من از دست او عصبانی می‌شوم، بدون هیچ حرفی عذرخواهی می‌کند و تمام تلاشش را می‌کند تا دیگر آن را تکرار نکند. شاید خنده‌دار باشد اما من دلم می‌خواهد مرد زندگی‌ام گاهی اوقات با من مخالفت کند. حتی بعضی وقت‌ها با هم دعوا کنیم. من قهر کنم و او برای آشتی تلاش کند. دلم می‌خواهد زندگی‌مان از این یکنواختی خارج شود. در این مدت حسرت یک دعوا به دلم مانده است. حتی وقتی خودم از دست صابر عصبانی می‌شوم، اجازه نمی‌دهد عصبانیت من را خالی کنم و فقط

عذرخواهی می‌کند، یا این‌که سکوت می‌کند. من دوست دارم شوهرم کمی مغرور باشد. دلم می‌خواهد عصبانی شود. من هم مثل زن‌های دیگر دوست دارم شوهرم غرور و غیرت داشته باشد، تا بتوانم به او تکیه کنم. ولی صابر خیلی بی‌تفاوت است و این همه آرامش او مرا آزار می‌دهد. زندگی ما هیچ هیجانی ندارد. در صورتی که من خودم عاشق هیجان هستم و دوست دارم گاهی اوقات هم که شده حتی با شوهرم دعوا کنم. ولی پنج سال است که دارم این زندگی یکنواخت و سرد را تحمل می‌کنم، اما دیگر خسته شدم و می‌خواهم برای همیشه به زندگی مشترک‌مان پایان دهم. البته فقط با من اینطوری نیست. حتی اگر در خیابان راننده‌ای مقصر باشد و با او تصادف کند، همسر عذرخواهی می‌کند. مرده نباید



اینقدر زود جا خالی کند. وقتی به رفتارش اعتراض می‌کنم، می‌گوید: دو روزه دنیا ارزش این را ندارد به خاطرش بخواهیم، دعوا و جنجال داشته باشیم. این دیدگاه او به زندگی باعث شده همه به راحتی حقمان را پایمال کنند. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: واقعا خنده‌دار است. چون من همیشه به همسر احترام گذاشتم و سعی کردم هیچ وقت ناراحت نشود، او می‌خواهد طلاق بگیرد. در این مدت چون عاشق همسر بودم، هیچ وقت نمی‌توانستم ناراحتی‌اش را تحمل کنم. برای همین سعی می‌کردم همیشه به حرف‌هایش گوش بدهم. از دعوا و تنش بدم می‌آید. متفردم که با همسر و داد و فریاد کنم و درگیری راه بیفتد. قبل از ازدواج هم همیشه همین‌طور بودم. هیچ وقت با خانواده‌ام درگیر نشدم. من آدم آرامی هستم و تصور می‌کردم این یک خصوصیت خوب است. فکر می‌کردم همسر از زندگی در کنار من راضی است. احساس می‌کردم او را خوشبخت کرده‌ام. ولی اشتباه می‌کردم. محبت زیادی باعث شد او توقعش

بالا برود. جواب این همه محبت را این‌گونه داد. هنوز هم باورم نمی‌شود زندگی‌مان را به دلیل آرامشی که به او می‌دهم، به اینجا کشانده است. من هم دیگر دلم نمی‌خواهد او را ببینم و درخواست جدایی دارم. از این‌که می‌بینم به من توهین می‌کند و جواب خوبی‌هایم را این‌طور می‌دهد، عذاب می‌کشم. ما دیگر در کنار هم خوشبخت نخواهیم شد.

در پایان نیز قاضی رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و با صحبت‌هایش این زوج را راضی کرد تا پیش از اجرای تصمیم‌شان با یک مشاوره خانواده صحبت کنند.

همسران را نادیده نگیرید



سارا شقاقی، روان‌شناس در این رابطه می‌گوید: نادیده گرفتن معمولاً می‌تواند یک زندگی مشترک را از میان ببرد. هم زن و هم مرد دوست دارد که از سمت شریک زندگی‌شان محبت و کشش ببیند. در نظر نگرفتن خواسته طرف مقابل کم‌کم باعث می‌شود شریک زندگی احساس سرخوردگی و دیده نشدن کند و از همسرش دورتر شود. آن وقت است که این دوری کم‌کم به ویرانی یک زندگی می‌انجامد. وقتی کارکردهای خانواده مثل کارکردهای اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب ببیند، زن و شوهر کم‌کم احساس رضایت مندی خود از زندگی مشترکشان را از دست می‌دهند.

از بین رفتن این رضایت هم، باعث از هم گسیختگی روانی، عاطفی، اجتماعی و حتی در نهایت طلاق می‌شود. وقتی فاصله زیادی در روابط زناشویی به وجود بیاید، زن و مرد دیگر نمی‌توانند آن احساس امنیت و حمایت را در طرف مقابل خود ببینند و همین می‌تواند عواقب جبران ناپذیری را به وجود بیاورد. عواقبی که سردی و از بین رفتن عشق میان زن و شوهر را شامل می‌شود.

به اعتقاد من اینکه زن و مرد حتی در کوچک‌ترین کارها نیز با شریک زندگی‌شان مشورت کنند، نشان از عدم اعتماد به نفس نیست، بلکه به این معنی است که همسرشان برایش قابل احترام است و حتی یک نوع ابراز علاقه نیز محسوب می‌شود.

در این پرونده هم دو طرف در مسیرشان اشتباه گام برداشته‌اند. مرد فردی بوده که به دنبال زندگی آرام و بدون تنش است و برای رسیدن به این هدف خود، حاضر است حتی جاهایی که مقصر نیست با یک عذرخواهی تنش را از بین ببرد و برعکس او همسرش به دنبال هیجان است. او حس می‌کند به مردی تکیه کرده که شاید یک روز به خاطر یک تنش رفع آن، پا روی زندگی مشترک بگذارد و از آن عبور کند.

این شرایط باعث ترس درونی شده و برای رهایی از آن گزینه طلاق را انتخاب کرده است. در پایان تاکید می‌کنم قبل از ازدواج به خواسته‌هایتان از طرف مقابل توجه بیشتری داشته باشید و تصور نکنید بعد از ازدواج همه مشکلات رفع خواهد شد.



این‌که زن و مرد حتی در

کوچکترین کارها نیز

با شریک زندگی‌شان

مشورت کنند، نشان

از عدم اعتماد به

نفس نیست، بلکه

به این معنی است که

همسرشان برایش

قابل احترام است و

حتی یک نوع ابراز علاقه

نیز محسوب می‌شود



سند کمپانی و شناسنامه مالکیت خودرو
سیپا ۱۱۱، مدل ۹۳، رنگ سفید، به شماره انتظامی
۱۹۲ ن ۱۴ - ایران ۴۶، شماره موتور 5266309 و شماره
شناسی NAS431100E5807734 به نام وحید
فریزاد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۹۲ به رنگ
سفید شمیری به شماره انتظامی ۶۱۹۵۷۱ - ایران ۶۳
شماره موتور 114F0021849 شماره شناسی
AAAA46AA5CG360362 به نام سید عباس موسوی
قهفرخی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

واگذاری قرارداد اجاره نیروی انسانی

شهرداری سیاهکل در نظر دارد، نسبت به واگذاری قرارداد اجاره نیروی انسانی از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط به شرح ذیل اقدام نماید.

● نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گذار: سیاهکل، شهرداری سیاهکل، تلفن تماس ۳۱-۴۱۳۲۲۰۳

● موضوع مناقصه: انجام کار، اجاره نیروی انسانی در سطح شهر سیاهکل شامل: فضای سبز، خدمات شهری، حمل و نقل و آتش نشانی و اداری و غیره

● مبلغ برآورد اولیه اجرای کار برای مدت ۱۲ ماه: برآورد اولیه به مبلغ ۶۷/۳۶۰/۳۹۸/۰۴۸ ریال می‌باشد.

● مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: شرکت کنندگان جهت شرکت در مناقصه ۶/۷۳۶/۰۳۹/۸۰۴ به‌صورت ضمانت بانکی به نفع کارفرما (با اعتبار ۳ ماه)

● پیمانکار می‌بایست دارای رتبه بندی و طرح طبقه بندی مشاغل کاری مورد تایید وزارت کار و امور اجتماعی (تاییدیه صلاحیت از اداره کار و امور اجتماعی) باشند.

● متقاضیان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir و یا واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۳۱۰۰۰۱۷۸۱۰۰۶ درآمد شهرداری (بانک ملی) از روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۰۶ لغایت روز پنجشنبه ۹۹/۰۵/۰۹ اقدام نمایند.

● هزینه درج آگهی به‌عده برنده مناقصه خواهد بود.

● چنانچه برندگان اول و دوم و سوم مناقصه از انعقاد قرارداد خودداری نمایند به ترتیب سپرده شرکت در مناقصه آن‌ها به نفع شهرداری سیاهکل ضبط خواهد شد.

● آخرین مهلت جهت ارائه پیشنهادها در سامانه دولت (ستاد): تا پایان ساعت ۱۴:۳۰ عصر روز یکشنبه ۹۹/۰۵/۱۹ می‌باشد.

● تبصره: متقاضیان می‌بایست جهت ارائه تمامی اسناد پاکت (الف و ب و ج) از طریق سامانه فوق‌الذکر بارگذاری و اقدام نمایند. ضمناً شرکت کنندگان می‌بایست محتوی پاکت (الف) را به‌صورت درب بسته تا زمان اعلام شده به کارفرما (پایان ساعت ۱۴:۳۰ عصر روز یکشنبه ۹۹/۰۵/۱۹) تحویل دبیرخانه شهرداری نمایند.

● تاریخ بازگشایی پیشنهادهای ارائه شده با حضور شرکت کنندگان (همراه با معرفی‌نامه) روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۰۵/۲۱ راس ساعت ۱۱ صبح به‌آدرس سیاهکل - ساختمان شهرداری خواهد بود.

● شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار می‌باشد.

● سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مناقصه قید گردیده است و متقاضیان می‌بایست جهت اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی ذکر شده مراجعه نمایند.

● پیشنهادهای فاقد سپرده، مهیم و مشروط از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهردار سیاهکل - ایمان محمد پورنیک‌بین

پرسه در میدان مهر قش

گزارشی درباره انفجار مین های عمل نکرده در مناطق مرزی کشور و قربانیان جدید آن

حدود ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می گذرد، اما هنوز هم مین ها و ادوات انفجاری

عمل نکرده در زمین های پاک سازی نشده، بی خبر کشته و زخمی می گیرند. براساس آمارهای غیررسمی، در سال ۱۶،۹۶ کشته و ۶۵ مجروح، در سال ۱۴،۹۷ کشته و ۴۸ مجروح، در سال ۹،۹۸ کشته و ۲۶ مجروح در اثر انفجار مهمات عمل نکرده به آمار سال های قبل اضافه شدند.

سال ۹۹ هم البته اوضاع خوب نبود و بازهم خبرهای مربوط به انفجار مین و کشته و مجروح شدن عده ای از هموطنان مان مردم را آزد. آخرین خبر مربوط به انفجار مین، تیرماه همین امسال منتشر شد. چهار نفر که برای شنا و پیدا کردن عسل کوهی به رودخانه کنجان چم در مرز مهران استان ایلام رفته بودند، هدف یک مین ضد تانک قرار گرفتند که در نتیجه آن سه نفر کشته و یک نفر مجروح شد. با احتساب کشته و مجروح شدن این چهار نفر، در سال ۹۹ و تاکنون، هفت نفر کشته و ۹ نفر در اثر انفجار مهمات انفجاری مجروح شده اند.

لیلا حسین زاده

تپش

کنجکاوای خطرناک

سلیمان اویسی یکی از قربانیان مین و اهل روستای قره موسی شهرستان مهاباد است. سال ۷۳ و درست زمانی که سلیمان ۱۲ ساله بود، سرنوشتش تغییر کرد. آن روز او در مزرعه مشغول چراندن گوسفندانش در مزرعه ای در حاشیه یک پایگاه نظامی متروکه بود. با این که سال ۷۰، منطقه را با بلدوزر پاکسازی کردند، اما پاکسازی به طور کامل انجام نشده بود و هنوز هم مین های متعددی دور از چشم و زیر زمین جا خوش کرده بودند. روز حادثه، شیئی به اندازه یک فندک، توجه سلیمان، برادر، پسرعمو و دو نفر از دوستانش را جلب کرد. سلیمان بی این که فکر کند چه خطری تهدیدش می کند، پیچ زرد رنگ روی آن را فشار داد و ناگهان شیء ناشناس در دستان او منفجر شد. پس از این حادثه، دوستانش او را به بیمارستان امام تبریز منتقل کردند. در اثر این انفجار، سلیمان یکی از چشمانش را به طور کامل از دست داد و کارایی چشم دیگرش هم فقط در حد تشخیص سایه و نور است. یکی از دستانش از مچ قطع شد و او سه انگشت دست دیگرش را هم از دست داد. از نظر شنوایی هم، گوش چپش ناشنوا شده است و پیچیدن صدای وزوز در گوشش آزارش می دهد.

قربانیان جوان

سعید، یکی از ده ها کودکی است که انفجار مین خانه نشین اش کرد. او ۱۰ سال بیشتر ندارد و سن و سالش به جنگ قد نمی دهد، اما به خاطر منفجر شدن مین و آسیب هایی که از آن دیده، او هم جانباز جنگی محسوب می شود. سعید و خانواده اش عشایر هستند و زمستان که می شود، در آن سوی کرخه و نزدیکی شوش ساکن می شوند. ۲۸ بهمن ۹۷، زمانی که همراه با خانواده اش داشتند از جنوب به سمت همدان کوچ می کردند، در سمت غربی کرخه و محدوده نقطه ای که عملیات فتح المبین برگزار شده بود، سعید قربانی مین شد. او بر اثر انفجار مین، چشم هایش را از دست داد، دست راستش از مچ قطع شد و پوست گردن، صورت و پاهایش هنوز هم زخم مین را بر خود دارند. ۱۲ بهمن ماه پارسال بود که غرب کرخه، انفجار مین بازهم حادثه آفرید. در این حادثه، ماموران اورژانس، جوان ۲۱ ساله عشایر اهل کرمانشاه را با آمبولانس به بیمارستان نظام مافی منتقل کردند. مچ پای این فرد بر اثر انفجار قطع شد. دو سال پیش هم بر اثر انفجار مین، جوانی ۲۳ ساله در شهر دارخوین در جنوب استان خوزستان کشته شد. از قرار معلوم، این جوان مین را در اطراف خانه پیدا کرده و به خاطر کنجکاوای آن را به خانه برده بود، اما بر اثر دستکاری، مین منفجر شده و او را تکه تکه کرده بود.

انگار مقصر انفجار مین ما هستیم!

مهدی چنانی یکی دیگر از قربانیان مین در سال ۹۹ است. او ۱۴ ساله است و ۲۴ فروردین امسال و به دلیل انفجار مین عمل نکرده در حوالی پادگان شهید فرجوانی، مچ یک پایش را به آسانی از دست داد. آن هم درست زمانی که هنوز قدم به دوران نوجوانی گذاشته و از حالا باید غصه آینده اش را بخورد که با یک پای نداشته، چطور روزگارش را بگذراند. این مهم ترین دغدغه پدر مهدی است که شب و روزش را با آن سپری می کند و نگران آینده اوست که چطور می خواهد زندگی کند. مهدی از عشایر شهرستان شوش است و بیلاق و قشلاق کردن، روال همیشگی آنهاست. مهدی مثل همیشه روز حادثه هم رمه هایش را برای چرا به صحرا و به نزدیکی های پادگان شهید فرجوانی برده بود. مانند بقیه چوپانان مشغول هی کردن گله اش بود که ناگهان پایش روی مین رفت و بعد روی زمین افتاد. زمانی که این اتفاق افتاد، مهدی در حال دویدن بود و مین فرصت نکرد آسیب بیشتری به مهدی بزند، وگرنه جانش را از دست می داد. هرچند پدر مهدی شکرگزار زنده ماندن مهدی است، اما دل دردمندی از بی توجهی به قربانیان مین دارد که پسر خودش هم یکی از آنهاست. آن قدر دلش پر است که می گوید انگار مسؤول این اتفاق ما هستیم که این طور بی توجهی می کنند.

قربانیان مین مظلوم

متأسفانه به دلیل وجود استان کشور، هنوز معلولیت بر اثر انفجار شدن شهروندان موان این افراد با توجه به مور

به عنوان جانباز یا شهید شناسایی می شود هم در این زمینه سال ۷۲ وجود داشت، برای مثال در آن گفته شده بود اگر فردی برخورد با مین کشته یا مجروح شود اختصاص یافته به آن برخوردار شود. این که مثلاً اگر کودک شش ساله ای به دلیل مجروح می شد، این طور تشخیص داده و سهل انگاری دچار مشکل شده و به هم می شود که منطقی به نظر نمی رسد.

از همین رو، این قانون سال ۸۹ با اصلاحات مسائل که سال ۷۲ با چالش مواجه بود، اد نیز متشکل از نهادهای امنیتی، فرمان و بنیاد شهید و ایثارگران و زیر نظر فرمان که نمایندگان آنها با وقوع انفجار و ک

ناصر سرگران

وکیل دادگستری
و قربانی مین

یک درصد اراضی مرزی آلوده است

بهنام صادقی، یکی از کارشناسان مین سال‌ها در جبهه حضور داشته و مین خنثی کرده است. در روزگاری که وبلاگ اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده، او وبلاگی با نام «مین و زندگی» دارد که سال‌هاست آن را با ارائه خبرهای مرتبط با مین به روزرسانی می‌کند. تپش گفت‌وگویی با او انجام داده که در ادامه می‌خوانید.



تپش چه میزان از اراضی و کدام یک از استان‌های کشور آلوده به مین است؟

پس از پایان جنگ و براساس برآوردهای کارشناسان، حدود چهار میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از مناطق جنگی ما آلوده به مهمات عمل نکرده و مین بود. مناطق آلوده عبارتند از استان ایلام با یک میلیون و ۷۰۰ هزار هکتار، خوزستان یک میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار، کرمانشاه ۷۰۰ هزار هکتار، کردستان ۱۵۰ هزار هکتار و آذربایجان غربی ۱۵۰ هزار هکتار.

همزمان با جنگ و پس از آن، واحد مهندسی ارتش و سپاه، مناطق آلوده به مین را پاکسازی می‌کرد. یعنی به محض آزادسازی مناطق اشغالی، نیروها بلافاصله پاکسازی را آغاز می‌کردند، اما این روند کند بود. با پایان جنگ، عملیات پاکسازی با مدیریت ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده توسط ارتش و سپاه انجام شد. پس از آن و در سال ۸۳، مرکز مین‌زدایی کشور زیر نظر واحد مهندسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تاسیس شد تا کار پاکسازی ادامه داشته باشد، اما از سال ۸۵، معاونت مهندسی وزارت دفاع کار پاکسازی مناطق جنگی را توسط مرکز مین‌زدایی کشور انجام می‌دهد. طبق اطلاعات ارائه شده توسط آنها، تاکنون ۹۹ درصد مناطق آلوده به مین و مهمات عمل نکرده، پاکسازی سطحی و تحویل استانداردها شده است.

تپش چند نفر توسط مین و ادوات عمل نکرده کشته یا مجروح شده‌اند؟

پس از پایان جنگ و تاکنون حدود ۱۰ هزار نفر از غیرنظامی‌ها کشته و مجروح شده‌اند. به تفکیک، حدود ۳۰۰۰ کشته و ۷۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند. البته این آمار پس از پایان جنگ سعودی بود، چون مردم و مهاجران در حال بازگشت به شهرهای خود

بودند که پاکسازی نشده بود. همین مساله، آمار مرگ و میر یا مجروحیت را بالا می‌برد، اما پس از پاکسازی و ارائه آموزش به مردم و همچنین جداسازی مناطق آلوده از مسکونی، این روند شیب نزولی پیدا کرد.

تپش بیشترین حادثه برخورد با ادوات انفجاری در چه نقاطی رخ می‌دهد؟

عمدتاً در مناطق صفر مرزی. به دلیل این که یا صعب‌العبورند یا در نقاط باتلاقی قرار دارند. در کل جاهایی که پاکسازی به سختی صورت می‌گیرد، بیشتر با حادثه مواجه هستیم. این همان یک درصد اراضی است که هنوز آلوده به مین و ادوات انفجاری عمل نکرده است.

تپش قربانیان چه کسانی هستند؟

بیشتر بزرگسال و مردان هستند؛ چون زنان و کودکان اغلب اوقات در منزل هستند و دور از این مناطق.

تپش با گذشت ۳۰ سال از جنگ، مردم انتظار دارند دیگر مینی نباشد که کشته یا مجروح بگیرد. مشکل چیست؟ آیا به قدر کافی نیرو برای پاکسازی وجود ندارد؟

از نظر تجهیزات مین‌یابی و نیروی مین‌یاب هیچ مشکلی نداریم، اما در مواردی پاکسازی به شکل مطلوب انجام نمی‌شود و در نتیجه مین در محل باقی می‌ماند. مثلاً مین در عمقی از زمین قرار داشته که دستگاه نتوانسته آن را بگیرد و همین مساله موجب حادثه می‌شود.

تپش مهم‌ترین چالش پیش‌روی قربانیان مین و مهمات انفجاری عمل نکرده چیست؟

سوال بسیار خوبی مطرح کردید. بزرگ‌ترین مشکل آنها چالش‌های قانونی است که پیش‌روی دارند. به طور مثال مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای تحت عنوان ماده ۲ استانداری داشت که براساس آن، افرادی که بر اثر

برخورد با مین کشته یا مجروح می‌شد، تحت حمایت قرار می‌گرفتند. البته این قانون ساده و تبصره‌های متعددی داشت. در سال ۹۰ این ماده اصلاحیه خورد و از ماده ۲ استانداری به ماده ۲ فرمانداری تبدیل شد که خیلی از این موارد حذف شد. با این حال هنوز هم کاستی‌هایی وجود دارد. برای مثال بازه زمانی برای تشکیل پرونده و پاسخ کمیسیون مشخص نشده است. مثلاً همین چهار نفری که در مهران کشته و مجروح شدند، احتمال دارد پرونده‌شان مشمول زمان شود و تا سه سال دیگر هم به کمیسیون ارجاع نشود. از دیگر مشکلات قربانیان این است تا زمانی که پاسخ کمیسیون به وضعیت آنها مشخص نشود، تمام هزینه‌ها به دوش خودشان است که همین مساله بار روانی مضاعفی را به آنها و خانواده‌هایشان تحمیل می‌کند.

معضل دیگر، حضور نداشتن قربانیان در کمیسیون است تا از خود دفاع کنند و وکیلی هم ندارند از آنها دفاع کند. در این کمیسیون‌ها افرادی حضور دارند که لزومی نمی‌بینند قربانی در جلسه حضور داشته باشد. خود رای می‌دهند و همین باعث می‌شود حق و حقوق قربانیان مین تضییع شود.

افراد به دلایل زیر و در مواجهه با مهمات انفجاری عمل نکرده کشته یا مجروح می‌شوند:

۱. بیشتر مردم نمی‌دانند مین چیست و آثار انفجارش تا چه میزان است.
۲. علاوه بر مین، مواد منفجره ناشناخته دیگری نیز وجود دارد که خطرش کمتر از مین نیست.
۳. با مکان‌های کاشت مین آشنا نیستند.
۴. نشانه‌های احتمال بروز خطر و راهکار مواجه شدن با مشکلات مین را نمی‌دانند.

برای جلوگیری از خطر مجروح یا کشته شدن با ادوات انفجاری، ضروری است مردم به چند نکته مهم توجه داشته باشند.

در صورت مشاهده اشیای مشکوک بلافاصله با مقامات محلی، انتظامی و نظامی یا فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس بگیرند.

از وارد شدن به سنگرها، خاکریزها و کانال‌های زمان جنگ خودداری کنند.

از جمع‌آوری سیم‌های خاردار و ضایعات فلزی جنگی خودداری کنند.

در صورت نیاز به تردد در مناطق جنگی، مسیر رفت، برگشت و زمان احتمالی بازگشت را به نزدیکان خود اطلاع دهند.

اگر احشام شما وارد میدان مین یا بر اثر انفجار زخمی شد، برای خارج کردن آن تلاش نکنند.

در کلاس‌های آموزش خطر مین شرکت و دیگران را تشویق به حضور در این کلاس‌ها کنند.

از وارد شدن به ساختمان‌های ویران شده از جنگ خودداری کنند.

از پرتاب سنگ به طرف مین‌ها خودداری کنند.

از آتش‌زدن مین و مهمات یا انداختن آنها در رودخانه خودداری کنند.



تپش

۵

ویژه‌نامه حوادث روزنامه جام جم
چهارشنبه ۸ مرداد ۹۹ • شماره ۸۸۴

پرونده ویژه



از سال ۸۵، معاونت

مهندسی وزارت دفاع

کار پاکسازی مناطق

جنگی را توسط مرکز

مین‌زدایی کشور انجام

می‌دهد. طبق اطلاعات

ارائه شده توسط آنها،

تاکنون ۹۹ درصد مناطق

آلوده به مین و مهمات

عمل نکرده، پاکسازی

سطحی و تحویل

استانداردها شده

است



بمبند

د مین در پنج هم با بحث ر مین یا کشته چه هستیم که دو تحت شرایطی شوند. آیین‌نامه‌ای اما ایراداتی داشت.

بر اثر سهل‌انگاری و، نمی‌تواند از مزایای اتفاق در حالی رخ داد برخورد با مین کشته یا می‌شد که کودک بر اثر ن دلیل از مزایا محروم

تی مواجه شد و برخی صلاح شد. کمیسیون‌های، پزشکی قانونی انداری در نظر گرفتند نته یا مجروح شدن



فرد یا عده‌ای، دور هم جمع می‌شوند، برای فرد یا افراد آسیب دیده، پرونده تشکیل می‌دهند و در آن به پرونده فرد رسیدگی و در نهایت به عنوان جانباز یا شهید معرفی می‌شوند.

بزرگ‌ترین مشکلی که هم اکنون با کمیسیون ماده ۲ داریم این است که مدت رسیدگی به این پرونده‌ها

در کمیسیون‌ها بسیار طولانی است، در حالی که هیچ دعوتی از فرد مجروح یا وکیل او یا خانواده فرد کشته شده به عمل نمی‌آید و هیچ‌کس در مورد اتفاقی که برای آنها افتاده است، سوال نمی‌کند. در برخی از موارد، پرونده‌ها با این بهانه که مورد انفجاری مین نبوده یا انفجار در خارج از ایران رخ داده است، رد می‌شود. با توجه به این که تصمیم کمیسیون قطعی است و امکان تجدید نظرخواهی وجود ندارد، تنها راه برای فرد این است که با مراجعه به دیوان عدالت اداری به نظر کمیسیون اعتراض کند. البته این راه حل هم بیشتر جنبه شکلی دارد و دیوان عدالت اداری وارد ماهیت قانون نمی‌شود.

به دلیل وجود همین روند طولانی و طاقت‌فرسا، شاهد پرونده‌هایی هستیم که بعد از چند سال به نتیجه نرسیده است. برای کودکان قربانی مین متأسفانه هیچ حمایت توانبخشی، روان‌شناسی و اجتماعی وجود ندارد.



بانک صادرات ایران

آگهی مزایده اموال مازاد بانک صادرات ایران - مدیریت شعب استان سمنان

نوبت سوم سال ۱۳۹۹ (شماره ۹۹/۳)

استان سمنان یا ضمانت نامه بانکی صادره از سایر بانکها (غیر از بانک صادرات ایران) به نفع بانک صادرات ایران - مدیریت شعب استان سمنان می باشد. (ب) جهت دریافت مدارک، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به عنوان هزینه کارمزد اسناد (غیر قابل برگشت) به حساب شماره ۸۱۰۰۰۰۱۱۲۵۰۰۱ به نام دایره حسابداری و بودجه واریز و فیش آن تحویل دایره تدارکات و ساختمان گردد. (پ) بانک در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادهای مختار است. (ت) کلیه اموال با وضع موجود به فروش می رسند. (ج) اقلام در هر بخش به صورت یکجا به فروش می رسد. (خ) متقاضی مختار خواهد بود در جلسه بازگشایی پاکت های حاوی پیشنهادهای ارائه رسیده شرکت کند. بدیهی است عدم حضور در جلسه مذکور، تحت هر شرایط و به هر دلیل اعم از موجه و غیر موجه مانع امر مزایده نخواهد شد. (د) هر شخص در هر مورد تنها مجاز به ارائه یک پیشنهاد می باشد. (ذ) سایر موارد در برگ شرایط مزایده مشخص شده است.

بانک صادرات ایران - مدیریت شعب استان سمنان در نظر دارد، اموال مازاد ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان محترم می توانند جهت بازدید و اخذ برگ شرایط مزایده از تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۴ در ساعات اداری به دایره تدارکات و ساختمان واقع در سمنان، میدان سعدی، اداره مرکزی، طبقه سوم مراجعه نمایند. ضمناً آخرین مهلت برای ارسال پیشنهادهای تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ و بازگشایی پاکت ها در روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۸ ساعت ۱۰ صبح در محل اداره مرکزی بانک به نشانی میدان سعدی می باشد. متقاضی/ متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۰۲۳-۳۳۳۳۴۸۵۳-۰۹۱۹۲۳۱۱۶۵۷ دایره تدارکات و ساختمان تماس حاصل فرمایند.

● نکات قابل توجه: الف) میزان تضمین ۱۰٪ قیمت پایه می باشد و نوع آن چک بانکی قابل پرداخت در شعبه سعدی (۳۴۷۲) سمنان به نام بانک صادرات ایران - مدیریت شعب

الف - اموال مربوط به سلولزی:

شرح و مشخصات اموال مربوط به کارخانه سلولزی	
ردیف	مشخصات
۱	خط تولید خمیر کاغذ و مقوای بسته بندی ساخت شرکت شیمی پژوهش تبریز، شامل تجهیزات ۱- یک دستگاه میکسر (گالاندر) مواد به ظرفیت حدود ۶۰۰۰ کیلوگرم، فاقد الکتروموتور ۲- یک عدد مخزن استوانه ای قائم حدود ۱۴۰۰ لیتری ۳- یک عدد همزن خمیر با الکتروگیربکس حلزونی ۴- منبع فلزی هوایی به ابعاد ۹۰×۱۲۰×۵۶ سانتیمتر با پایه های لوله ای به قطر ۱۰ سانتیمتر ۵- میز خمیر با غلتک های عرضی به عرض مفید تا ۱۴۰ سانتیمتر در طول حدود ۱۲ متر با سه دستگاه الکتروگیربکس ۲،۲ کیلووات، انتقال نیرو توسط چرخ زنجیر ۶- شش عدد سیلندر خشک کن به قطر ۱۴۰ سانتیمتر و مشعل گازوئیلی ایران رادیاتور کوچک مجزا و مستعمل با یک دستگاه الکتروگیربکس ۲،۲ کیلووات دور متغیر مغناطیسی و ورولیک های مابین غلتک ها، انتقال قدرت توسط چرخ زنجیر صورت می گیرد. ۷ - یک دستگاه غلتک اتو، رول جمع کن به طول حدود ۵ متر ۸- یک دستگاه روکش (دوبلکس)
۲	خط تولید خمیر کاغذ و مقوای بسته بندی ساخت شرکت شیمی پژوهش تبریز، شامل تجهیزات: ۱- یک دستگاه میکسر (گالاندر) مواد به ظرفیت ۳۰۰۰ کیلوگرم، فاقد الکتروموتور ۲- یک عدد مخزن استوانه ای قائم حدود ۱۴۰۰ لیتری ۳- میز خمیر با غلتک های عرضی به عرض مفید تا ۱۲۰ سانتیمتر در طول حدود ۱۰ متر ۴- شش عدد سیلندر خشک کن به قطر ۱۴۰ سانتیمتر فاقد مشعل ۵- سه عدد هود فوقانی به ابعاد ۳۰۰×۲۵۰ سانتیمتر و کانال های مربوطه ۶- یک دستگاه غلتک اتو، رول جمع کن به طول حدود ۵ متر
جمع کل به مبلغ (یک میلیارد و چهارصد و چهل میلیون ریال) ۱،۴۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	

ب - تجهیزات کامپیوتری:

ردیف	نام و شرح اموال	تعداد/ مقدار	واحد	ارزش کل (ریال)
۱	۱ عدد اسکنر A4، Jenius ۲۵ عدد اسکنر بارکدخوان نوری ۳ عدد AMH سیستم اعلام سرقت ۸ عدد پرسو قابل نصب در رک UPS	۱	مجموعه	۳۰،۲۵۰،۰۰۰

ج - لوازم ورزشی:

ردیف	نام و شرح اموال	تعداد/ مقدار	واحد	ارزش کل (ریال)
۱	یک دستگاه تردمیل مارک IRON MAN مستعمل (دارای نقص) یک عدد ترد میل دستی (فاقد موتور) یک عدد کمد لباس فلزی ۶ درب یک عدد صندلی پایه فلزی یک عدد میز پینگ پنگ مارک HONARMAND یک عدد میز چیدمان دمبل یک عدد دوچرخه ثابت باشگاهی مارک PROTIGUS یک عدد پرس پا نشسته یک عدد پرس سینه نشسته یک عدد پشت پا خوابیده یک عدد میز پرس سینه یک عدد جلو پا نشسته دو عدد سیم کش نشسته یک عدد سیم کش میز پرس سرشانه یک عدد میز جلو بازو لاری یک عدد میز زیر سینه ثابت یک عدد سیم کش کراس یک عدد میز متحرک حرکات سینه	۱	مجموعه	۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰

کارآگاه بازی خانم مارپل ۷ ساله

**رازگشایی از پرونده یک سرقت با فیلمبرداری دختر هفت ساله
 خاطره سرهنگ اسماعیل زراعتیان، فرمانده انتظامی مرودشت است**

مدتی بود سرقت های لوازم داخل خودرو به ما گزارش می شد و با بررسی در محل های سرقت هیچ ردی از سارق به دست نمی آمد. سارق مانند شبی سرقت های خود را انجام می داد و دوربین های مدار بسته هم تصویری از او ثبت نکرده بودند. سرقت های او باعث ناراحتی همشهریان شده بود و سعی کردیم با زیر نظر گرفتن محل هایی که او بیشتر مرتکب سرقت می شد، سارق را شناسایی و به سرقت هایش پایان دهیم.

تحقیقات ما برای شناسایی سارق ادامه داشت تا این که یک روز، تیزهوشی دختر بچه ای ما را به یک قدمی سارق رساند. پدر این دختر بچه با همکارانم تماس گرفت و اعلام کرد: دخترش از صحنه سرقت یک دستگاه پراید توسط سارق فیلمبرداری کرده است. این مرد و دخترش را به کلانتری دعوت کردیم که با بررسی فیلم متوجه شدیم، دختر بچه از همان سارقی که در تعقیبش هستیم فیلم گرفته است.

دختر هفت ساله درباره علت فیلمبرداری اش گفت: در خانه تنها بودم. حوصله ام سر رفت و رفتم پشت پنجره، مردی را دیدم که در حال بازکردن در پرایدی بود. به رفتارش

مشکوک شدم و حس کردم دزد است. به همین خاطر گوشی تلفنم را آوردم و بدون این که متوجه شود از پشت پنجره از او فیلم گرفتم. وقتی پدرم به خانه آمد ماجرا را برایش تعریف کردم و او هم با پلیس تماس گرفت.

با کمک فیلمی که دختر هفت ساله گرفته بود و بررسی آلبوم مجرمان حرفه ای توانستیم سارق را شناسایی کنیم. او از مجرمان حرفه ای بود که بعد از آزادی از زندان، سرقت هایش را آغاز کرده بود. مخفیگاه های او را زیر نظر گرفتیم تا این که توانستیم دستگیرش کنیم.

دزد لوازم داخل خودرو آنقدر حرفه ای عمل کرده بود که فکر نمی کرد، مدرکی علیه اش داشته باشیم به همین خاطر در بازجویی ها منکر سرقت ها شد اما وقتی با فیلم سرقتش روبه رو شد دیگر راهی برای فرار از واقعیت نداشت و به سرقت های سریالی از خودروهای پراید اعتراف کرد. تیزهوشی این دختر بچه و احساس مسؤولیتش باعث شد یکی از پرونده های مهم سرقت در شهر فاش شود. به همین خاطر از او تقدیر و عضو پلیس افتخاری محسوب شد. این نمونه کوچکی از احساس مسؤولیت است که گاهی مثبت در افزایش امنیت شهر شد. اگر دیگر هموطنان هم همین احساس مسؤولیت را داشته باشند و شاهد مشارکت مردمی در افزایش امنیت باشیم، فضای شهری برای مجرمان ناامن تر می شود.

مزایده ۹۹/۳۰۱۱ / اقامت مرکز فروش کوثر

مرکز فروش کوثر در نظر دارد، **اقلام مستعمل و ضایعات** زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

تنوع اقامت:

ژنراتور ۸ mvm سیلندر ۵۸۵ کاوا- ژنراتور ۱۶ mvm سیلندر ۶۳۵ کاوا

آدرس محل بازدید: رباط کریم، میدان آشناسان، به طرف اتوبان تهران- ساوه، سمت راست، موسسه راهبران

تلفن تماس: ۰۹۳۵۷۷۴۸۳۷۴ و ۰۹۳۵۴۰۶۶۱۴۵

ژنراتور ۱۶ سیلندر جی ام ۶۶۰ کاوا

آدرس محل بازدید: رباط کریم، میدان آشناسان، به طرف اتوبان تهران- ساوه، سمت راست، موسسه اروندان

تلفن تماس: ۰۹۳۵۷۷۴۸۳۷۴ و ۰۹۳۶۱۹۶۸۲۰۵

آهن آلات ضایعاتی، داغی خودرویی مختلف

آدرس محل بازدید: تهران، جاده قدیم کرج، کیلومتر ۱۳ خیابان شهرک دانشگاه، موسسه شهید میثمی، شعبه ابوذر

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷ و ۰۹۱۲۴۸۹۸۹۳۳

آهن آلات ضایعاتی- داغی خودرویی مختلف- انواع لاستیک ضایعاتی- بشکه فلزی ۲۲۰ لیتری- روغن سوخته همراه بشکه- لگن عقب کمپرسی

آدرس محل بازدید: تهران، جاده قدیم تهران- ساوه، بعد از رودخانه رودشور، کارگاه قطعه ۲ کنار گذر جنوبی تهران، موسسه عمران صنعت

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷ و ۰۹۱۱۲۵۷۴۸۷۳

انواع کمد، فایل، میز و صندلی- پارتیشن مختلف- ابزار آلات مختلف- لوازم برقی- لوازم سرمایی و گرمایی- اقامت عمومی- پلاستیک ضایعاتی- آلومینیوم ضایعاتی- چوب ضایعاتی- آهن آلات و چدن ضایعاتی- لوازم اداری، صوتی و تصویری

آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۲۰ جاده مخصوص کرج، جنب پالایشگاه نفت پارس، شهر قدس، بلوار شهید قاسم اصغری، خیابان فرنان، پلاک ۱۱

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷ و ۰۹۱۲۳۹۶۱۶۹۷ و ۰۹۱۲۴۰۰۹۵۷

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: قم، کیلومتر ۳۵ آزادراه قم- گرمسار، روبروی عوارضی، کارگاه حرم تا حرم

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷ و ۰۹۱۲۵۲۵۷۷۸۹ و ۰۹۱۹۲۵۵۸۱۴۱

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: خرم آباد، جاده بیرانشهر، بعد از روستای کاسیان، کارگاه تونل پونه

تلفن تماس: ۰۹۱۸۳۸۵۲۷۶۵

متعلقات آسانسور

آدرس محل بازدید: تهران، شهرک قدس، بلوار دامن، خیابان شفق، نبش کوچه آفتاب، پلاک ۲

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷ و ۰۹۱۲۴۰۰۹۵۷

تجهیزات پزشکی- لوازم صوتی و تصویری

آدرس محل بازدید: قم، بعد از میدان ۷۲ تن، به سمت اراک، کیلومتر ۲، موقعیت حضرت علی ابن ابیطالب (ع)

تلفن تماس: ۰۹۱۲۷۵۷۹۶۶۴

الف) شرایط مزایده:

- ۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد).
- ۲- متقاضی به محض برنده شدن مکلف است ۱۰٪ قیمت فروش را به صورت نقد از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول به عنوان سپرده بپردازد.
- ۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.
- ۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.
- ۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.
- ۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می باشد.
- ۷- کلیه هزینه های پس از فروش به عهده خریدار می باشد.

ب) زمان و مکان:

زمان بازدید مزایده: روزهای شنبه و یکشنبه ۱۱ و ۱۲ مرداد ماه ۱۳۹۹ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶

زمان برگزاری مزایده: روز دوشنبه ۱۳/۰۵/۱۳۹۹ ساعت ۹ صبح

آدرس محل برگزاری مزایده: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی، مرکز فروش کوثر

تلفن تماس: ۰۹۹۰۹۷۹۷۴۰۷

قتل در درگاه خانه

صدای شیون زن در کوچه پیچید و بعد از آن چراغ خانه ها یکی یکی روشن شد و سر همسایه ها بود که از پنجره بیرون می آمد و به کوچه سرک می کشید. مریم با چادر سفید مقابل در خانه اش روی زمین زانو زده بود و شیون و زاری می کرد. شوهرش، امیر غرق در خون روی زمین افتاده بود. دختر ها هم از صدای شیون و زاری مادر به مقابل در خانه آمدند.

یکی از همسایه ها با اورژانس تماس گرفت و چند دقیقه بعد، آمبولانس آژیر کشان کوچه های باریک جنوب شهر را پشت سر گذاشت و با راهنمایی اهالی مقابل بن بست یاس توقف کرد. دو امدادگر سریع کیف کمک های اولیه را از ماشین برداشته و به سمت خانه دویدند. با نگاه اول به مرد میانسال متوجه مرگ او شدند. ضربه ای مرکبار به قلبش اصابت کرده بود و خونریزی زیاد امانش را برای زنده ماندن از او گرفته بود.

وحید شکری
تپش

دقایقی بعد با حضور تیم پلیسی در محل، تحقیقات برای رازگشایی از قتل آغاز شد. آن طور که مریم می گفت؛ همسرش بیرون خانه چاقو خورده بود و به سختی خود را به مقابل خانه رسانده و وقتی در را باز کرده جلوی در حیاط روی زمین افتاده بود. عقربه های ساعت، ۱۲ شب را نشان می داد که این قتل به کارگاه گزارش و او راهی محل شد. این سومین شبی بود که در تهران قتل رخ می داد و او را تا صبح درگیر می کرد. در مسیر تصمیم گرفت بعد از کشف راز این قتل ها، چند روزی مرخصی بگیرد تا بتواند انرژی از دست رفته اش را به دست بیاورد. همیشه وقتی ذهنش خسته می شد به خودش چند روزی استراحت می داد. می گفت با ذهن خسته نمی توان پرونده قتل کشف کرد.

در حال برنامه ریزی برای دوره استراحت

در خانه بود که به محل قتل رسید. تیم جنایی در حال تحقیق در محل بود. جسد هنوز مقابل در خانه قرار داشت. جمعیت زیادی در کوچه ایستاده بودند و بعضی همسایه ها مقابل پنجره یا پشت بام بودند و عکس و فیلم می گرفتند.

سرگرد دستور داد جسد به داخل خانه منتقل شود و در را ببندند تا تحقیقات بدون حاشیه انجام شود. ضربه چاقو به سینه مرد میانسال برخورد کرده و باعث خونریزی شدید و مرگ او شده بود. سرگرد ابتدا با افسر کلانتری صحبت کرد. او در تشریح تحقیقات گفت: مقتول به نام امیر، راننده مسافرکشی است که به نظر می رسد قربانی سرقت خودرویش شده است. البته خودرو مقابل خانه پارک است و دزد یا دزدان ناکام مانده اند. او به سختی خود را تا مقابل خانه می رساند و در را می زند اما وقتی در را باز می کنند در درگاه روی زمین می افتد و به خاطر شدت خونریزی جان خود را از دست می دهد. همسر و سه دختر مقتول می گویند او هیچ حرفی قبل از مرگ نتوانسته بزند.

سرگرد به بررسی خانه پرداخت. لکه های خون مقابل در ورودی خانه ریخته شده بود. بعد خود رو را بررسی کرد و روی دستگیره در فقط رد خون بود. کارآگاه سپس سراغ دکتر رفت که او هم همین یک ضربه و اصابت آن به قلب مرد میانسال را علت مرگ اعلام کرد و گفت، زمان زیادی از مرگ نگذشته است.

سرگرد سپس سراغ همسر مقتول رفت تا از او تحقیق کند. زن میانسال بی تاب می کرد و وحشتی در چهره اش بود. تعریف

کنید امشب چه اتفاقی افتاد.

همسرم مسافرکش است و هر روز صبح می رود و بعد از غروب برمی گردد. گاهی هم مسافر دربستی به او می خورد و دیرتر می آید. امروز غروب تماس گرفت و گفت مردی را دربستی به خارج شهر می برد و دیرتر می آید. شب منتظرش بودیم که زنگ در را زد. در را زدم اما چند ثانیه گذشت و داخل نیامد. نگران به حیاط آمده و با او در

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت های همسر مقتول چطور متوجه شد امیر قربانی جنایت خانوادگی شده است؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می شوید. دودلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۰۱۱۲۲۴۳۰۰ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می شود

سرگرد با بررسی صحنه قتل متوجه شد که ضربات از پشت سر به مقتول وارد شده است که این موضوع حکایت از غافلگیری مقتول یا فرارش از دست قاتل داشت. این در حالی است که دوست او مدعی بود، مقتول به سمت سارقان حمله کرده و با ضربه چاقوی آنها از پا در آمده. اگر این ادعا صحت داشت، ضربات باید از روبرو وارد شده بود.

در مسابقه هفته گذشته ۱۳۲۷ نفر شرکت کردند که از این تعداد ۵۶۴ نفر پاسخ صحیح داده و از میان افرادی که پاسخ صحیح داده اند، آقای رضائات از کرج و زهره جلالی از تهران به قید قرعه برنده شدند.

پاسخ معمای تاوان تلخ رفاقت

حالی که غرق در خون بود مقابل در رو در رو شدم.

نگفت چه کسی او را زده؟

نه. هیچ حرفی نزد.

شما با همسر تان اختلاف داشتید؟

نه.

اما همسایه ها گفته اند چند باری صدای دیگری شما را شنیده اند.

این دعوها که در همه خانه ها هست، اما جدی نیست.

دلیلش چه بود؟

به دخترانم سختگیری می کرد. اجازه نمی داد تنها از خانه بیرون بروند.

به همین دلیل تصمیم گرفتید او را به قتل برسانید؟

مریم مکثی کرد. شوکه شده بود. سرش را پائین انداخت و در حالی که تن صدایش را پایین آورده بود، گفت: خودش مقصر است. اگر او را نمی کشتم، دخترم را به خاطر این که به تولد دوستش رفته بود، می کشت. همه چیز در عرض چند ثانیه رخ داد. باور کنید قصد کشتن او را نداشتم.

سرگرد به مامور زن که در حیاط ایستاده بود، دستور داد به دستان مریم دستبند بزند و او را به بازداشتگاه منتقل کند تا فردا بازجویی شود.

سرگرد با بازپرس تماس گرفت و بعد از گزارش ماجرا دستور انتقال جسد را به پزشکی قانونی گرفت و راهی خانه شد.

رودررو

گفت وگو با مرد پولداری که به اتهام سرقت دستگیر شد

دستم به دزدی عادت کرده!

شاید باور کردن این موضوع که فردی دست به سرقت بزند تا کلکسیونش را تکمیل کند، خیلی سخت باشد. اما سارق جوان که علاقه شدیدی به عینک های مارک دار و کلاه های گرانقیمت داشت برای رسیدن به این علاقه خاص، دست به سرقت زد. او با ترفند های مختلف در خودرو های مدل بالا را باز می کرد و فقط عینک آفتابی و کلاه های مدل دار را به سرقت می برد.

سرقت، با این سن و سال؟ کمی عجیب نیست؟

اعتیاد که فقط به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و سیگار نیست. هر چیزی ممکن است اعتیاد آور باشد، حتی دزدی. من هیچ نیاز مالی ندارم اما دستم عادت کرده برای دزدی و نمی توانم این عادت را ترک کنم.

به خاطر دزدی وضع مالی ات خوب است؟

من هر چه سرقت کردم با هر بار دستگیری مجبور شدم به عنوان رد مال بدهم. از طرفی مال حرام برای چه کسی برکت کرده که برای من برکت کند.

پدر ثروتمندی نداشتم اما در روستایمان زمین های زیادی داشتیم. پدرم که فوت کرد ارثیه اش به تنها پسرش که من بودم رسید. من که بیشتر عمرم را در زندان سپری می کردم، به بچه هایم وکالت دادم و آنها هم زمین ها را فروختند و برای خودشان کار و کاسبی راه انداختند. بچه هایم دکتر و مهندس هستند و وضع مالی خوبی دارند، خودم هم وضع مالی ام خوب است اما نمی توانم سراغ کار خلاف نروم. دستم به دزدی عادت کرده است!

با این کار آبروی خودت و بچه هایت را که میبری؟

برای همین است که آنها مرا راه کرده اند و اسمی از من نمی آورند. کسی نمی داند من کجا هستم. با آن همه ثروت یا در پاتوق ها شب هایم را می گذرانم یا روی صندلی پارک ها و گوشه خیابان.

چه شد به این راه کشیده شدی؟

پدرم مرد با آبرویی بود، اما من در سودای زندگی شهری راهی تهران شدم. به محض این که پام را از اتوبوس روی زمین ترمینال گذاشتم، یک نفر از خدا بی خبر که از چهره و حالم فهمیده بود در تهران غریبم، سراغم آمد. او به من محلی برای خوابیدن داد و کاری برای کسب روزی؛ اما ای کاش که این کار را به من یاد داده بود.

چه کاری به تو یاد داد؟

اولین کار خلافی که کردم جیب بری بود. درآمد خوبی داشت و برای من شرایط خوبی بود. بعد کم کم از جیب بری به کیف قاپی و بعد هم سرقت روی آوردم. الان هم به خاطر سرقت لوازم خودرو با همدمم

دستگیر شده ایم.

همدستت پسر جوانی است؟

بله. دیدم اعتیاد شدید به مواد مخدر دارد و لنگ پول است، او را با خودم همراه کردم. وگرنه من با این تخصص و سابقه به همدست نیازی ندارم. با او سوار بر موتورسیکلت در خیابان های شهر پرسه می زنیم و با دیدن خودروی مناسب من از موتور پیاده می شوم و وسایل داخل خودرو را سرقت می کنم. همدستم هم به عنوان بپا و زاغ زن مراقب است که کسی ما را نبیند.

با وسایل سرقتی چه می کنی؟

رضا، همدستم بچه زرنگی است و به فضای مجازی و اینترنت تسلط دارد. او عکس وسایل سرقتی را در سایت هایی که آگهی مجانی منتشر می کنند، می گذارد و از این طریق مشتری پیدا می کنیم.

چطور گیر افتادید؟

از طریق همین سایت ها. یک مشتری به ما زنگ زد و ضبطی را که تازه سرقت کرده بودیم، خواست. به محل قرار که رفتیم به جای مشتری با پلیس مواجه شدیم.

با رضا چطور آشنا شدی؟

هم پاتوقی هستیم. او هم مثل من خانواده اش رهايش کرده اند و بی کس و کار است. خب من هم دلم برایش سوخت و گفتم تا سر حال هستم و می توانم، شگردها را به او یاد بدهم که مشکلی برای کسب درآمد نداشته باشد.